

پناه بردن (عملیات فلق) و یک جای دیگر هم به کاربست علم و تبدیل نکردن آن به شک (عملیات ناس) و حالا یک عملیات جدید نزدیک است ...!

ابرار برایشان مهم نیست چه کسی در حق آنها کم می‌گذارد، برایشان مهم است که دست‌بقیه را بگیرند

دوم‌نوش: اینجا نقطه‌ی مرکزی عملیات، خط مقدم است. توپخانه دشمن خط را به شدت می‌کوبد. پشت خاکریز، گردان‌ها دسته‌دسته به خط نشسته‌اند. حالا نوبت فرمانده است تا نقشه را برای منهدم کردن گردان‌های دشمن بگوید. فرمانده آیه‌هایی از قرآن را برآید می‌خواند: آیه‌های آخر سوره مبارکه مطففین. آیاتی که بعد از توصیف اعمال مطففین (کم‌گذاران) در دنیا به اجر و پاداش ابرار (خوبان)

خانوادگانه

زیر ذره‌بین

برداشتی از جلسات خانوادگی، چهارشنبه‌ها

• جواد مذحجه

از نافرمانی خدا در خلوت‌ها بپرهیزید، زیرا همان که گواه است، داوری کند.

نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۴

یا خیر شاهد و مشهود

• بین بر و بیچه‌های محل ضرب‌المثل شده بود، دست‌فرمانش حرف نداشت، چنان توی چند ثانیه، صفر تا صد را پر می‌کرد که کسی به گردش هم نمی‌رسید. وقتی که چهار به سه معکوس می‌کشید، موتور ماشین می‌خواست آسفالت را گاز بزند. هیچ راهی برایش بسته نبود، توی خیابان وسط شلوغی کافی بود یک متر جا باز باشد، توی سه‌سوت پُرش می‌کرد.

وای که اگر یک وقت دیرش می‌شد. لای‌کشانی راه می‌انداخت که نگو و نپرس، دیگر در بند هیچ چیز نبود؛ سبقت چپ و راست، بوق و نوربالا، چراغ سبز و قرمز، ورود ممنوع و غیرممنوع، خلاصه هیچ مانعی نباید راهش را سد می‌کرد تا مقصد، دست آخر هم چنان دستی می‌کشید که نفس کل خیابان بند می‌آمد.

کاشفك



در تارنمای کاشف بخوانید!

تصویرسازی ذهنی، کلاس پرورش تفکر قرآنی آقای دژبخش، دوشنبه‌ها، مریم کریمی

صاحب امتیاز: احمد رضا اخوت

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

سر دبیر: نعیمه پورصالحی

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (علیهم‌السلام) (کاشفیون)



سه‌شنبه
۲۰ دی ۱۳۹۰
۱۶ صفر ۱۴۳۳
شماره ۳۴

www.Kashef.goo.ir | KashefNews@Live.com

سال اول

برای عضویت در انجمن ادبی خوشه‌چینان وحی
نام خود را به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید
برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف
نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره
۰۹۱۹۳۱۰۲۹۴۹ پیامک کنید



امیرالمؤمنین (علیه‌السلام):

اولین مرحله از جهاد که در آن باز می‌مانید، جهاد با دستانتان، سپس جهاد با زبان، و آنگاه جهاد با قلب‌هایتان می‌باشد، پس کسی که باقلب، معروفی راستایش نکند، و منکری را انکار نکند، قلبش واژگون گشته، بالای آن پایین، و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت (زشتیهایش آشکار و نیکوییهایش ناپدیدار)..

نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ص: ۷۳۲

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

کاشت

به‌نام ســـلام

کوله پشتی در جهاد نرم

- کاظم رجبعلی**

با مدل داستان حسن کچل، که از خانه بیرون نمی‌رفت و مادرش برای رشد و تعالی او مجبور شد کیدی به کار بسته و از چند سیب – بنا بر روایت معتبر دیگری اناز- استفاده کند تا وقتی حسن با تعقیب و جمع کردن آنها از خونه بیرون رفت، درب را ببندد و تا بزرگ نشده و راه و رسم زندگی را یاد نگرفته به خانه برنگردد، داستان‌های زیادی گفته شده است. البته این داستان ها اصول ثابت و متغیری دارند که از جمله متغیرهای آن، اسم قهرمان داستان است. گاهی حسن کچل و گاهی احمد تنوری و گاه غیر آن. متغیر بعدی، استفاده مادر از سیب یا انار و یا نخود و کشمش است. اما عاقبت داستان که يك بلوغ و پختگی و به‌دست آوردن تجربه برای قهرمان داستان است، وجه ثابت داستان‌های یادشده محسوب می‌شود. در میان این داستان‌ها، داستان احمد تنوری به دلیل وجود يك کوله‌پشتی

پشت پنجره

کاشفیون؛ پرده پنجم!

جلسه کاشفیون ۱۰، ۱۰، ۹۰ (نقل قولها، نقل به مضمون هستند)

•محمدعلی زارعیان

دکور (از نگاه نویسنده): اتاقی L-شکل پر از صندلی دسته دار، یک میز در سمت چپ که مونیتوری رویش قرار دارد، یک تخته سفید متحرک، یک رضای دژبخش پشت میز در حال ساخت پرده نگار تفکر قرآنی، نویسنده روی صندلی سمت راست میز در حال مطالعه، ساعت ۱ بعدازظهر نقش بسته‌بر نوار پایین صفحه‌رایانه‌همراه‌نویسنده

صحنه: خانم جوادی در گوشه راست تصویر نشسته‌بر صندلی

زارعیان: /با تردید/ ساعت ۱ جلسه شروع میشه؟

دژبخش: /آرام/ بله... /خانم جوادی از کلاس خارج می شود./

دژبخش: /با شنیدن صدای گوشی آن را برداشته و به صفحه آن نگاه می کند و با لبخندی بر لب می خواند/ خانم صادقی معذرت خواستند و گفتند دیر می رسند.

زارعیان: آقای رجبعلی کی می‌رسند؟

/پسر پیش دانشجویی وارد اتاق می شود و سلام می کند./

/ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر نقش بسته بر نوار پایین صفحه‌رایانه همراه‌نویسنده/

رجبعلی: /رو به خانم صادقی با اشاره به متن خوشه چینان کاشف ۳۳/ شاید هیچ متنی با این ایجاز راجع به سوره توحید- البته همه اش به نوشتن شما بر نمی‌گردد – وجود نداشته باشد که این شکل همه کس فهم و جالب باشد...

صادقی: /رو به آقای رجبعلی/ خیلی سخته که تطبیق بدی بین اتفاقات جلسه با مسائل علمی که می‌خواهی مطرح کنی...

رجبعلی: /رو به خانم صادقی/ اخیرا نوشته‌هایتان بهتر شده است. /رو به کاشفیون/ منتها یک نکته‌ای وجود دارد، نگه داشتن کیفیت هم خیلی مهم است... نوسان زیاد خواهید داشت. ولی این مهم است که در هر حالتی، بنویسید و با اوج و فرودش کاری نداشته باشید...

برای قهرمان در این داستان، جایگاه ویژه‌ای دارد. او

سر راه خود، يك عدد دُم خر، يك عدد لاک‌پشت و يك عدد تخم شترمرغ پیدا می‌کند و آنها را در کوله پشتی‌اش می‌گذارد و در وقت مناسب وقتی که گرفتار دیو می‌شود، از آنها برای رهایی استفاده می‌کند و...

اما فارغ از این داستان‌های کودکانه، محتویات يك کوله پشتی در جهاد نرم چه چیز باید باشد؟ آن ضروریاتی که داشتن آنها برای انجام يك عملیات ضروری است چیست؟ پاسخ درست شما، احتمالاً در دو ساحت قابل طبقه‌بندی است، لوازمی که به علم و معرفت و

آنچه که در يك کوله پشتی نباید باشد، به مراتب از چیزهایی که باید باشند مهمتر است

شناخت روش تحقیق و مطالعه و به ویژه دانستن و بهره‌گیری از واژگان قرآنی و غیر آن مربوط است، و نیز لوازمی که مربوط به ایمان و تحمل سختی‌ها و عزم راسخ و نشاط و عدم تردید و تزلزل و غیر آن است.
خاطرم هست که در جمعی، توانایی‌ها، مهارت‌ها، تکیه کلام‌ها، لطیفه‌ها، حسن خلق و حتی کج خلقی‌های افراد را به عنوان ابزارهایی که می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند، به عنوان محتوای کوله‌پشتی در جهاد نرم

سه شنبه ۲۰ دی ۱۳۹۰ سال اول ۳۴ ۱۶ صفر ۱۴۳۲ شماره

معرفی کردیم. همه موارد یاد شده درست است اما باید دانست، در بسیاری از مواقع، آنچه که در يك کوله پشتی نباید باشد، به مراتب از چیزهایی که باید باشند مهمتر است. يك نگاه به گذشته تا امروز خودمان بیندازیم، آنچه که از ناکامی‌ها، نداشتن‌ها، نشدن‌ها، غربت‌ها و بی استعدادی‌ها به دست آوردیم به مراتب ارزشمندتر از داشته‌های ماست. در ذات فقر، درد و فهمی نهفته است که ضروری‌ترین ابزار در کوله‌پشتی يك مجاهد محسوب می‌شود. خدا را شکر بابت همه آنچه که نداریم، چون با نداشتن آنها درک بهتری از آنها پیدا می‌کنیم و البته احساس نیازمان به آن ذات بی‌نیاز همه کوله‌پشتی ما را پر خواهد کرد.
امام سجاد(علیه السلام) فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامِ الْأَرْضِ وَ سَنَامُهَا»
مشکاةالأنوار، ص۷۹

جوادی: /رو به آقای رجبعلی/ چرا باید نوسان داشته باشیم؟...

رجبعلی: /رو به خانم جوادی/ علت‌های زیادی دارد ولی یکی از عوامل مهم در عدم نوسان متن هالاق نویسنده است، ماهمیشه روی نردبانی که قرار می‌گیریم باقی نمی‌مانیم. بهترین متن‌ها آنهایی است که بهترین افق را داشته باشید. ... البته این بد نیست که ما متن های نوسان دار بنویسیم، این بد است که نشود به شما اعتماد کرد که آیا می‌نویسید یا نه؟ اگر کیفیت در حد قابل قبول باشد ولی مجموعه بتواند روی شما به عنوان سرمایه حساب کند، ارزشمند است...
کاظمی (فاطمه سادات): /با لبخندی بر لب/ دوست دارم که انتقادات راجع به متن هایم را برایم بنویسید ... حداقل آقای زارعیان که می‌خوانند و اصلاح می‌کنند و می‌فرستند برای تارنما نظرشان را درباره متن های بنده بنویسند. توقع چاپ شدن ندارم، دوست دارم ایرادات آن را بدانم...

دژبخش: /خندان/ من جهت تنویر افکار عمومی اعلام کنم. ما یک جایی مواجه شدیم با حجم زیاد متون، که باید‌ه آقای زارعیان متن‌ها را به تارنما منتقل کردیم و ستون تارنما را راه انداختیم. آقای زارعیان به صورت چرخشی متن‌ها را در تارنما می‌گذارند...

رجبعلی: /رو به زارعیان/ شما درباره متن‌های خانم کاظمی حرفی ندارین؟

زارعیان: /با حالتی مردد/ ببخشید که لحنش قدری خشنه. وقتی نکته‌ای را بیان می‌کنید از دو حالت خارج نیست: یا بدیهی است و یا بدیهی نیست. اگر بدیهی است که هیچ‌ولی اگر بدیهی نیست طبعاً نیاز به مقدمه چینی و طرح بحث و نتیجه‌گیری دارد تا بتوان آن نکته را مطرح کرد وگرنه باعث ابهام و گیج شدن است...

رجبعلی: تازه از خواندن آخرین متن خانم کاظمی فارغ شده، رو به زارعیان/ فطری‌ترین متنی که می‌توان نوشت این متن است. بدیهی مدیهی چیست؟ خیلی قشنگه این متن. کدام یک از شما تا حالا این طور نوشته اید. این سید متن‌های کاشف است. فهم درست از قرآن و واکنش درست نسبت به آن. این کار سلول بنیادی دعاست. البته منظور این نیست که بقیه هم این طور بنویسند.

زارعیان: /با حالتی مستاصل/ باور کنید من این متن آخر را لحاظ نکرده ام. /زارعیان ادامه صحبت‌هایش را مردد و با سرعت می‌خواند./

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

کاشت

زارعیان: /بازست عین الکاشفی/ آقای رجبعلی گردان امام سجاد(علیه السلام) به کجا رسید؟ رجبعلی: وضعیت گردان خیلی بستگی به ادامه جلسه خوشه چینان دارد، چرا که این جلسه حالتی شبیه به پشتیبان برای گردان دارد. ضمناً دوست نداریم این گردان کارمندیزه شود و طراوتش از دست برود. صبر کنید تا اقتضای آن پیش بیاید...

خوشاوی: /با لبخند ملیح/ شما ویژه نامه هم دارید؟ بنده برای همایش سوره کوثر ویژه نامه کاشف می‌خواهم.

دژبخش: /مدیرانه/ از حاضران در جلسه چه کسی مسئولیت آن را قبول می‌کند؟ خانم جوادی! بعد از تجربه موفق ویژه نامه محرم مسئولیت ویژه نامه کوثر را به عهده می‌گیرید؟... /بعد از گفتگویی مختصر خانم جوادی مسئولیت را بر عهده می‌گیرند./

دژبخش: /با لطافت خاص خود/ بنده از خانم فردوسی عذرخواهی می‌کنم بابت کاشفک سوره مسد که یادم رفت به دست آقای زارعیان برسانم...

فردوسی: /با اشاره به متن خوشه چینان سوره کوثر/ یک نکته‌ای که باید متذکر شوم این است که نویسنده‌ها نباید به سمتی بروند که بخواهند از سبک یکدیگر تقلید کنند.

دژبخش: /با حالت دفاعی لطیف/ متن خوشه چینان کوثر – که آقای خوشاوی زحمتش را کشیده بودند- به اشتباه با متن هفته‌پیش خانم مهدیان جابجا شده بود. گویا کسی نباید به جای خانم صادقی متن خوشه چینان را بنویسد...

/خانم کاظمی خداحافظی کرده و می‌روند. قبل از خروج ایشان قرار نقد متون خانم‌ها علی‌تنه و صدق آراء و دعوت از آقای چیت چیان برای جلسه بعد اعلام می‌شود./
دژبخش: /شمرده شمرده/ یک نکته به عنوان نکته پایانی اعلام کنم. ان شاء‌الله بنا داریم کاشف پیش دانشجو را کلید برنیم. از دوستان تقاضا داریم که نظرانشان را به ما اعلام کنند تا بتوانیم این کار را هر چه بهتر به انجام برسانیم...

فردوسی: حتماً از دانش آموزان درباره کارت‌ان بازخورد بگیرید....

/جلسه کاشفیون به پایان می‌رسد، خانم علی‌تنه متنی پیشنهادی به نویسنده تحویل می‌دهد و می‌رود. خانم‌ها پورصالحی و اعرابی و صادقی می‌مانند ... جلسه‌ای با عنوان هیئتِ مدرسه تشکیل می‌شود./

خوشه چینان

توقف مطلقاً ممنوع!

گزارش نشست انجمن ادبی خوشه چینان وحی، سوره فلق

• فاطمه صادقه قهرودک

هایت‌برسی؟

معجزه پیامبر را ورق می‌زنم تا به سوره فلق برسم. ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ (۱) سریع یاد خورشید و صبح و فضایی بین تاریکی و روشنایی می‌افتم. گویی فلق نشانه‌ای است از آمدن صبح.

دوباره یاد تمام کارهایی می‌افتم که نتوانستم به سرانجام برسانم. ﴿مَنْ شَرُّ مَا خَلَقَ﴾ (۲) شرور یعنی هر آنچه که تو را از حرکت به سمت کمال باز دارد. ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾ (۳). فضاهای تاریکی در برنامه هایم وجود دارد که آنها را ظلمانی کرده است یعنی مانع از رسیدن به مقصد شده است. چراغ‌هایی که خاموش هستند و منتظر فلکی برای روشن شدن. ﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾ (۴) در

پیش‌دانشجو

لشگر حزب‌الله، گردان ابرار

برداشتی از کلاس تدبیر در قرآن، ویژه‌دبیرستانی‌ها؛ پنجشنبه‌ها، سوره‌مطففین

- کوثر مهدیان**

سه شنبه ۲۰ دی ۱۳۹۰ سال اول ۳۴ ۱۶ صفر ۱۴۳۲ شماره

سلام، حیات بخش یک جامعه

کلاس ختم مفهومی قرآن، استاد اخوت، شنبه ها، سوره مبارکه نساء

- فهیمة جواد**

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيَّ كَلُْمٍ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ سوره مبارکه نساء، آیه ۸۴ بحث آیات نورانی سوره مبارکه نساء، در سه لایه انسان و جامعه و هستی، قابل بررسی است. یکی از اعجازهای این سوره مبارکه، ارائه شاخص‌های دقیق و حقیقی برای سنجش سلامت و رشد جامعه‌است.

از قابل توجه‌ترین شاخص‌های اجتماعی که در این سوره ارائه شده است، نحوه سلام کردن و

پاسخ دادن به سلام است. موضوعی که غالباً در روابط اجتماعی و تعاملات میان افراد، از نظر عموم جامعه، مغفول می‌ماند. در این آیه مبارکه، از واژه تَحِيَّت، استفاده شده است. تَحِيَّت، که در آن از خداوند برای مخاطب یا مخاطبان درخواست حیات می‌شود، اعم از سلام است.

ابراز و افشای چنین سلامی در جامعه، بستر را برای امنیت و نزول رزقی پاک فراهم می‌کند.

نحوه سلام کردن و پاسخ دادن به سلام، می‌تواند یکی از شاخص‌های سنجش جامعه خودخواه یا جامعه خداخواه باشد. افراد یک جامعه خودخواه، دربرابر سلام کردن، تکبر می‌ورزند و اگر جواب سلام را هم بدهند، به سختی و با اکراه می‌دهند. اما افراد در یک جامعه خداخواه، سعی می‌کنند در هر سلامی، با نیت رسیدن به قرب الهی، بهترین‌ها را از خداوند برای شخص یا گروه مقابلش خواستار شوند. سلام در چنین جامعه‌ای، سلامی حیات بخش و زنده کننده است که سلام دهنده ضمن درخواست حیات، سلامت مخاطبین را از خداوند خواستار است.

ابراز و افشای چنین سلامی در جامعه، بستر را برای امنیت و نزول رزقی پاک فراهم می‌کند. می‌توان در هر سلام، والاترین و عمیق‌ترین نیت‌ها را داشت، و این گونه بستر را برای تعالی فرد و جامعه آماده کرد. می‌توان برای اصلاح جامعه، از اصلاح کیفیت سلام کردن و پاسخ دادن به سلام آغاز کرد. چه قدر زیباست که می‌توان با هر سلام کردنی، فرد و جامعه را به محبوب خود نزدیک‌تر کرد و الحمدلله رب العالمین.

خوشه چینان	
توقف مطلقاً ممنوع!	
گزارش نشست انجمن ادبی خوشه چینان وحی، سوره فلق	
<div><div> </div></div>	
هایت‌برسی؟	
معجزه پیامبر را ورق می‌زنم تا به سوره فلق برسم. ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ (۱) سریع یاد خورشید و صبح و فضایی بین تاریکی و روشنایی می‌افتم. گویی فلق نشانه‌ای است از آمدن صبح.	
دوباره یاد تمام کارهایی می‌افتم که نتوانستم به سرانجام برسانم. ﴿مَنْ شَرُّ مَا خَلَقَ﴾ (۲) شرور یعنی هر آنچه که تو را از حرکت به سمت کمال باز دارد. ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾ (۳). فضاهای تاریکی در برنامه هایم وجود دارد که آنها را ظلمانی کرده است یعنی مانع از رسیدن به مقصد شده است. چراغ‌هایی که خاموش هستند و منتظر فلکی برای روشن شدن. ﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾ (۴) در	

اول‌نوشت: تلگراف فوری به مرکز فرماندهی از برج دیده بانی: «لشکر "مطففین" در حال حرکت به طرف مرزها هستند. گردان‌های لشکر در چهار موضع اساسی کمین گرفته‌اند: کم گذاشتن پیمانه برای دیگران، گمان نداشتن به قیامت در سطوح بالا و پایین، تاخیر در کار خبر و بیش از حق خود خواستن (مُعْتَدِاثِم).»
بعد اول‌نوشت: هر جنگی صلاح خودش را می‌طلبد، یک جا نقشه‌ی عملیات، حرکت کردن است و